



۲۰ فبروری ۲۰۱۶



داکتر عبدالرحمن زمانی

پیرامون جنازه اعلیحضرت غازی امان الله خان

با قدردانی از مضمون مؤرخ و رزیده و پرکار کشور جناب استاد سیستانی و تبصره های دانشمندان گرانمایه افغان محترم داکتر صاحب کاظم و محترم داکتر صاحب هاشمیان، میخوام مطلبی را در همین رابطه از کتاب «بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس» که شامل دو عکس مراسم خاک سپاری شاه مرحوم میباشد، اقتباس و مجدداً به نشر بسپارم. این کتاب که در زمستان سال ۱۳۹۱ شمسی در جلال آباد افغانستان به نشر رسیده است، در آینده نه چندان دور بشکل PDF و مجانی به علاقمندان تاریخ افغانستان تقدیم خواهد شد. به آنهاییکه میخواهند با نشر اکاذیبی چون شرکت سردار محمد داؤد خان در مراسم جنازه آن شاه غازی برای رهبران شان کریدت بگیرند، باید خاطر نشان ساخت که همانگونه که دیروز بزرگان و رهبران شان با مسخ حقایق تاریخی، تحریف نگاری، تاریخ های فرمایشی و توطئه های ترورشخصیت غازی امان الله خان نتوانستند واقعیت ها را مخفی نگهدارند، امروز نیز با ادعای پوچ و بی اساس و جعل کاری منابع و اسناد نمیتوانند به مسخ حقایق و قهرمان سازی ادامه دهند.



غازی امان الله خان و ملکه ثریا در غربت و دوری از وطن

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

وفات شاه امان الله خان

شاه امان الله خان غازی روز ۲۵ اپریل ۱۹۲۰ مطابق با ۵ ثور ۱۳۳۹ در عالم هجرت و غربت در کشور سوئیس در حالیکه هنوز هم به یاد وطن بود و موجی از آرزوهای انسانی راجع به وطن و مردمش را در سینه داشت، چشم از جهان فرو بست.

به روایت بی بی هندیه «پدرش غازی امان الله خان چند روز قبل از فوت شان خواهش نمودند که یک بار دیگر ساز وطن به صدای استاد قاسم (افغان) را بشنود، به خاطر اینکه خیال کند که در وطن خود میمیرد، همان وطنی که از همه جای دنیا آنرا زیاده تر دوست داشتند. وطنی که باشندگان آن زمان، طرفداری از شاه امان الله نکردند و حالا متأسف هستند که مدت سلطنت شان زیاد طول نکشید».



جنازه شاه امان الله خان غازی قبل از خاک سپاری در جلال آباد

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ



جنازه شاه امان الله خان غازی قبل از خاک سپاری در جلال آباد

دولت وقت تنها به فرزندش (شهزاده رحمت الله) اجازه داد تا همراه جنازه پدر وارد وطن شود و بس. همچنان، رژیم حاکم خاندان محمد نادرشاه اجازه نداد طیاره حامل جنازه غازی امان الله خان در میدان هوایی کابل بزمین بنشیند و یا در آنجا خاک سپرده شود. همینکه جنازه در کنار آرامگاه پدرش امیر حبیب الله خان در جلال آباد دفن شده و مراسم فاتحه گیری تحت نظارت خاص و شدید دولت در مسجد جامع "پل خشتی" کابل انجام شد، مقامات دولتی دستور خروج فوری شهزاده رحمت الله را از افغانستان صادر نمودند.

خاطره مرحوم داکترشاهی بای مستندی پیرامون مرگ غازی امان الله خان

مرحوم داکترشاهی بای مستندی، باستان شناس مشهور کشور، در گوشه از خاطرات سالهای تحصیلی خود پیرامون مرگ غازی امان الله خان مینویسد: «...روانه منزل شاه امان الله خان شدید. جنازه مرحوم شاه امان الله قبلاً از سویس آورده شده بود و میت در یک صندوق بسته بود و ما نتوانستیم [روی] میت را ببینیم. ملکه ثریا خانم مرحوم شاه امان الله و دیگران از ما محصلین خواستند تا به دور جنازه نشستیم و تلاوت قرآن پاک کنیم. ...بالاخره ساعت ده و نیم - یازده قبل از ظهر میت را از خانه بیرون آوردیم و در دو طرف سرک منزل شاه امان الله

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

خان گارد ریاست جمهوری ایتالیا مراسم احترام را بجا آورده و موتر جنازه با دیگر موترها روانه میدان هوایی شد. بمجرد رسیدن به میدان، میت را در یک اتاق که بدین منظور اختصاص داده بودند، گذاشته و بازم مذاکره خصوصی بین سفیر و پسر امان الله خان و تلفو نه‌های اسرار آمیز دوام داشت و ما از جریان کاملاً بی خبر... بالاخره بعد از تقریباً دو یا سه ساعت انتظار، جنازه را به طیاره گذاشته و رحمت الله جان پسر امان الله خان نیز سوار طیاره شد. از تمام مراسم مرگ شاه امان الله خان خودم و دیگر محصلین به تعداد بیست یا زیاده تر قطعه عکاسی نموده بودیم که بدبختانه همه آن با دیگر عکسهای تاریخی نشر نشده بعد از هجرت از وطن، همانجا ماند. بعد از مدتی، توسط اعضای سفارت خبر شدیم که همه مشکلات و تأخیر در پرواز طیاره حامل میت شاه امان الله این بود که صدراعظم وقت [سردار محمد داوود] مانع سفر رحمت الله جان بداخل افغانستان بود. اینکه چطور و چرا بعداً اجازه سفر رحمت الله جان داده شد، معلوم نیست...»

داکتر مستمندی علاوه میکند که: « [بعداً در یکی از شبها مهمان ملکه ثریا بودیم و من اشعاری را بیاد قصر دارالامان قرائت کردم]، با شنیدن این شعر، اشک از چشمان ملکه ثریا و نورالسراج سرازیر شد و دیگران در خاموشی فرو رفتند، بعد از چند ثانیه ملکه ثریا از چوکی بلند شده برایم گفت با من بیایید چیزی به شما نشان میدهم و به طرف زینه که به طرف منزل فوقانی میرفت، حرکت کردیم. در منزل فوقانی، ملکه ثریا در یک اتاق را باز کرد، اتاق کوچکی بود به رنگ سبزه خیره. در یک کنج اتاق یک تخت خواب چوبی بسیار ساده در زیر کلکین که به طرف سرک باز میشد، گذاشته شده و در سمت دیگر، یک میز کوچک کار با یک چوکی دیده میشد. در بالای تخت خواب در یک میخ، تسبیح نصورای رنگ آویزان بود و در بالای تسبیح کلمه مبارکه به دیوار بند بود. ملکه ثریا روکش تخت را کمی کنار زده و از زیر بالشت کوچک را، که بعضی آنرا زیرگوشی و بعضی تکیه میگویند، بیرون کشیده برایم نشان داد و گفت: میان این بالشت خاک افغانستان است، زمانیکه اعلیحضرت از خاک افغانستان می برآمد این خاک را با خود آورده و همیشه که خواب میکرد آنرا زیر سر خود میگذاشت و وصیت کرده بود که اگر روزی دور از وطن بمیرم و امکان دفنم در خاک افغانستان نباشد، هر جا که دفن شدم این خاک را بالای قبرم بریزید...»¹

(پایان)

1. مجله "آیینة افغانستان"، چاپ امریکا، شماره ماه جنوری سال 1991.